



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مژروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی .

سال دوازدهم

شنبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۴۵

شماره ۳۲۴۴

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلد ۲۲۱

صورت مژروح مذاکرات مجلس عصر روز چهار شنبه
۱۳۴۴ سفید ماه

فهرست مطالب:

ماوسیله پول طرح کردن است ما باید وزارت خارجه حسابی بسازیم یا دستگاه حسابی با یک اختیارات کافی و وافی ولی با اینکه هست یکشاهم برای مادریش ندارد و در این موضوع من بیش تر بحث نمیکنم. راجع بوزارت پست و تلگراف من شهادت میدهم که در بیست و چند سال پیش که جزو هیئت تفتیشی بودم باستان خراسان و شهرستان های دیگر بنایه ای رسیدم که ادارات آنجا که بازرسی میشد اداره که کار درست تقسیم شده بود و درست رویش عمل میکردند با حقوق کم، و دستگاه مرتبی داشت پست و تلگراف بود، خوب یک قسمت بود که نمی شد درستش کنند مثلا در منتهی من دیدم که تلگرافات را تلگرافخانه میکرید و هفته ای یکی دوبار که طیاره به طهران می آمد میدهد با آن طیاره که بیاورد به تهران چون می گفتند که سیم مخابرات است نمیتوانیم کار کنیم (بعضی از نایابند گان). حالا خوب شده است در سابق آنطور بود) یا کسیم که نهایی که مال زمان ناصر الدین شاه بود مع الوصف مأمورین بوظیفه خودشان عمل می کردند و گزارش هایی که ما از اینها میخواستیم، اطلاعاتی که ما از اینها میخواستیم خیلی خوب اطلاعات را در اختیار ما می گذاشتند خیلی منظم بودند و افرادی که برای اینکار تربیت شده اند شایستگی برای آن کاری که تربیت شده اند دارند منتهی بودجاش کم بوده است سیم نداشتند و بایستی با طیاره تلگرافات را بیاورند آن دو سیمه ای علیحده است حالا الحمد لله یک تغییر ای داده شده ، کار ما بجزیان افتاده و یک وعده ای هم جناب وزیر پست و تلگراف فعلی که در سابق هم وزیر پست و تلگراف بودند دادند تصویر مبکنم یک لایحه ای هم در آن موقع مجلس دادند برای

نخست وزیر و وزیر مشاور هم تشریف آورده اند صبح تا اینجا صحبت بودا گر

ما وزارت خارجه بمعنای خودش داشته باشیم و تشکیلات حسابی با آن ندهیم این بودجها بدردش نمیخورد، باید میکنم مأمورین آبرومند و دیلمات های عالی مقام با یک

اعتبارات کافی و باید اختیارات صحیح بروند در خارج و خدمت کنند ولی اگر این دستگاه موجود باقی بماند من بیشنهاد میکنم که

این بودجه هم حذف بشود، برای این که اسباب آبرویزی است و یکشاهم هم

فایده ندارد اگر یکشاهم فایده داشته و بین گفتند من هم قائم میشوم، ماساله ای سال است

سر یک چیزهای کوچک با همسایه های خودمان برای تعیین حدود هم بحث میکنم،

هی کمیسیونها تشکیل میدهیم، من نظرم هست مرحوم مستشار الدوله مأمور تعیین حدود بود برای مرز شوروی و ایران درسی،

چهل سال پیش داستان مسافت تعیین حدود واشکالات این جور مسائل را باوزارت خارجه که بایستی موجبات حلش را فراهم کنند برای من نقل کرد، این دستگاه بقدرتی زنگ زده و خراب بود که وسط کار ناتمام میباشد، نسبت با غافلستان تعیین حدودی که شد معاشر الله خیلی بتفع ایران تمام شد که ما در اطرافش دیگر بحث نمیکنم حکومت دادیم بر قرای خودمان آنها هم رفته اند حدود مرزی مارا دیدند که یک اراضی هست که مالازم نداریم و ممکن است آن نمکزاره را افغانها بیشتر لازم داشته باشند با نهاد اند این هم از خدمات برجسته وزارت خارجه ما بود چیزهایی که من نظرم هست بکی این بود، یک تعیین حدودی هم که حالا در قسمت بلوجستان صحبت آن هست من تصور مبکنم با کستانی ها با یک حسن نیتی وارد مذاکره هستند ولی من چشم آب نمیخورد از این دستگاه وزارت خارجه که آنهم بیک جانی بر سر همینطور که بنجاه شصت سال ۲۰۰ سال مانده باز هم میماند و دستگاه زنگ زده

شماره ۲۲۱ مجلس شورای ملی

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلد ۲۲۱

صورت مژروح مذاکرات مجلس عصر روز چهار شنبه
۱۳۴۴ سفید ماه

فهرست مطالب:

۱- بقیه مذاکره در لایحه بودجه کل کشور

۲- تعیین موقع و دستور جلسه بعد از نختم جلسه

مجلس ساعت پنج و سی دقیقه بعد از ظهر برای است آقای

اردلان (نایب رئیس) تشکیل گردید

نایب رئیس- اسامی غائبین جلسه دکتر عیید هدی، استادیاری معین زاده

صبح قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد):

غائبین با اجازه آفایان: دکتر جزایری تفضلی، میر اشرفی، فرود، رضاei

عبد الرحمن فرامرزی، نقۃ الاسلامی، صفی، نصیری، قرشی، پناهی، یدالله

ابراهیمی، جلیلوند، عبدالحمید بختیاری، بنزرك ابراهیمی، مکرم، مصطفی ذوالقدری

سنندجی، دکتر سعید حکمت، کوئزاد، اورنک، یار افشار، پیرامته، لاری، دکتر شاهکار

غائبین بی اجازه - آفایان، عرب شبیانی، قوامی، خزیمه علم، درخشش،

مهند شاهرخشاهم، امید سالار، دکتر حمزوي، دکتر بیرنبا، کاشانیان، دکتر

پینا، سرمه دیر آمد گان و زود رفیگان با اجازه - آفایان، اخوان، مهندس چفروی

سلطانی، محمود افشار، سه رایان،

۱- بقیه مذاکره در لایحه

بودجه کل کشور

نایب رئیس- اصلاح میشود، آقای

حائزیزاده بفرمائید

حائزیزاده- تصور مبکنم صبح در

ادراج اوضاع وزارت خارجه خودمان

صحبت بود خوشبختانه جناب معاون وزیر

اداره تدبیر و نویسی و تحریر صور تمجلس

مذاکرات مجلس شورای اسلامی

مع التأسيف در مجلس نداشته اند يك وقت خيال ميکنمن مرحوم سردار اسعد و کيل بلوچستان بود اينجا توی مجلس بهلوی من می نشست گفتم تو و کيل کجا هستی گفت من و کيل بلوچستان هستم خوب وقتی که يك کسی مزدعاً ای در بلوچستان دارد و در آن مزدعاً ممکن است بهتة ين محصول گرمسیری گردد هنوزستان هست آجاعمل بياورندا يجاده تهران در مقامات موئملکتني بباشد وقتی هم و کيل ميرستند اينجا و کيل در آنجا يك وجب آب و خاک ندارد فقط يك عده اي دوست و طرفدار داشته و باو گفته اند بابا تو و کيل ما باش (يکنفر از نمايندگان ارباب وقتی و کيل آنجا بود آب و خاک هم داشت کار حسابي هم گرد) حالا يكسي بود همه که ارباب نميشونه (مشابه اد) اب به بندري عباس خدمت گردد است) همه که ارباب نميشود، اجازه بدهيد هر کس که باو و کالت بدهد زبادتر از موکل بسينهاش ميزند، همه ارباب نميشوند يك اربابي توی مملكت هست که اين حال را دارد وقتی و کيل بلوچستان باشد بش از يك بلوچ فعالیت ميکند، وقتی هم و کيل بندري عباس باشد هر يشنهادي می شود ميکويد که يك مریضخانه اي هم در بندري عباس درست گنيد (صحیح است) اين منحصر است اين ارباب منحصر است ولی اين را من باب مثال عرض گردم من ديدم اگر غیر ارباب را مثال فرار بهم آفایان ميرنجند، اين بود که رفیق خود را مثل فرار بهم (مشابه) همه يزديها هم فرار ميدهم (مشابه) اينطور نبستند فقط ارباب اينها در است (داراب اينهم صحيح است) اين وزارت بازار گانی منحصر بجای و برخنجن باشد باشد اين بايد وضع اقتصاد مملكت را در نظر صادرات و واردات را هم همیشه داشته باشد. اين فرع اين است که يك اداره آمار حسابي هم تحت اختبارش باشد که بتواند تشخيص بدهد که امسال گندم ايران بواسطه خوبی آب و هوابارزه کي چند تن اضافه شده از بارسال، و ميتواند چندين هزار تن هم صادر گندم يا اينست که امسال آفت ديه و خرابي ييش آمد باید گندم وارد گندم، من خواستم از جناب وزير تجارت بيرسم که اين گندمي که ۱۲ ميليون دلار از امريكا وارد گردید شه حساب داريد که كسر ما همین است يابراي جبران فاقهي است که خارج ميشود، اين را عوضش ميغواهيد بيردم بدهيد؟ يايست وزير تجارت ييش مملكت در دستش باشد که به ييند اين مملكت ما امسال چه توليد شده آيا يه محل باز كسری بيدا گرد

خربيه اند حالا که ميغواهند بفروشند ۲۰ ميليون تoman ضرر ميكنند براي تجارتی که دولت گرده است و موضوع ملاصر الدین خيلي عالي تر تکرار شده است من اين کار را ميتوانم عده دار بشويم وباهمن دستگاه فلجي که هست بيمام چايها را طبقه بندی يكنتي قسمت هائي که بدرد ميغورد بفروشيم بيازار قسمت هاني هم که بدرد گرد مي خورد بفروشيم برای گود بالاخره مصروف ميکنمن من خيال ميکنم در کابينه اسبيق در کابينه دکتر مصدق که تصویر ميکنمن جناب نويان هم وزير داراني بود بايشان گفتم که اينطور گزارش بمن رسيده باید بروم روی اينکار تصميم گيريم مال مملكت است نگذاري ملاف شود بعد که بايشان مجدداً محبت گردم دندام بايشان هم ترسيده اند روی اين گار تصميم بگيرند که ميگذرد همه اش منتظرند که به بینند چه ميشود داده است اين موضع عمال چند سال پيش است حالا که خوشبختانه دستگاه دولت طوري است که خبر صحیح بهم تمعرد را ديد وهم که ميگويد من مطمئن که خلافش صحت دارد نه آنجا او ميگويد و در اعلايه ها هم چيز مشتبه نهیم که چيزهای واقع شده و مختومه اي دامي یشم من گه دستگاه خارجی، اطلاعاتي، رکن دومي ندارم ولی اين خبری که من دارم مال پنج شش سال پيش است يكى از رفقا حالا نميدانم آغاز ف امری بود يا دیگری بود بمن ميگفت که فرق مابين شمال و جنوب اين است که همیشه از طرف شمال يك اشخاص مهمی در گارهای دولتی در کار و کالت و سیاست بوده اند و از طرف جنوب بوده اند بروج اگر ميغواهد که فاسد شود قو را ها همچو بجهات عاليه چكار داريد و اگر يك بفرمائيد اين چاي پشت درش چيزی ندوشته است که من رویش حرف زنم خیار کارها دارد، وزارت بازر گانی که چاهيش را من اينچه بيمي (صفاري) - داجم بهم چهارچهار هزار بروج هزار و يانصد حرب و اين مقدار حرب اضافي خرج آهي را که مملكت داده اند يك همچو سدي يك را بدنهند که بتواند يك همچو سدي يك اداره چاي پشت درش چيزی ندوشته همچو توپلي از ناحه خراسان، فارس، کرمان و هنندند، يك اقشه موتهي طرح نشد همین جورماند که چند پيش من شنيدم که آن توپلرا بسته بودند که آب زيانه برای اين که آب خور ڏاينده رود را پوشش داده اند آنها هم آب را بسته بودند بروي مردم، اين مملكت باید در تمام شئون اجتماعي يك تجدید نظری بشد، اين مشكلو که ماجرت ميزnim و جلو مير ويم اين قاله تا بحشر لذک است اين مملكت يك دوزي پيشرو قاله تمدن دنيا بوده امروز کارما بجهات رسيده که ما را جزو ملل عقب مانده حساب ميگند و اعماه ميدهند که زير بازويمانرا بگيرند که بقاوه بشريت بتوانيم قدم بقام نزديك شويم اين مال چيست؟، مال مهماتي ماست مال چرت زدن ماست اگر ما يمکنند به وظيفه مان بيشتر عمل بگشيم ما جدي باشيم ايمان بكار داشته باشيم يك کار کوچولورا درستش بگشيم اينرا بعد ميشود توسعه داد ولی روز اول يك لاشه اي رسيد با اين شدير قاز اعتبار گارمه لکت به جهاتي تعمير سد وقتی اعتبار را زياد گنيم اين آقتا به لگن هفت دست شام و نهار همچو جي است هي تشكيلات و تشریفات و بخور و بير و باش آن محصولاً عمل که اين

این قسمت که بکلی سیستم تلگراف و تلفن بازیاریابیک تشکیلات مرتبی عوض کنند که بشود باعهه دنیا ارتباط داشته باشند صعبت کنند و تصویرمیکنم لایهه اش هم در مجلس بود ولی کم فراموش شد و حالا امیدوارم که دنبالش را بسیرند تا بیک جاگی بررسد موضوع دیگری که دیروز هم من راجع باز صحبت کرده بودم گفتم که اگر برای یک نفری اینجا جازداده میشود که وزارت پست و تلگراف نسبت بااستخدام او اقدام کند من مخالف قوانین خاصی برای اشخاص بخصوصی هستم شرحی که بن رسید این بود که درقانون سال ۱۳۲۰ ماده ۱۲ اشخاص فنی که از وزارت جنک انتقال پیدا کرده اند بوزارت پست و تلگراف برای این که حقوق و مقام و رتبه این ها را تطبیق بکنند اجازه داده است و این شخص مورد نظر کسی بوده است که او را در آن موقع فرستاده بودند باروی برای نکمل اطلاعات پسخود و راهنمایی از دست ایرانیه نداریم چند دفعه شاگردی های ایرانی در اینجا بلوای کرده اند علیه مأمورین دولت آقای صدر گفته بود که آقا بر روی ما را تریزید ما تازه آمد ایم، ما را ذیت نکنید. حالا علت چه بوده؟ مصلحتی که از اینجا روانه شده اند برای تحصیل یک برنامه و بودجه مخصوصی برای تحصیل آنها بوده و سط کاریکدفه میگفته اند که ما ارزنداریم و این بجهه سرگردان درولایت اجنبی دست کم بطرف کی دراز بکنند؟ میایند سراغ قنسول، قنسول وسفیر هم که کاررا انجام بدهند (صارمی-قانون خاصی که برای اشخاص نباید وضع شود) . راجع بقسمت وزارت فرهنگ اینجا یک کانونی است که اگر درست بشودهمه چیزهای مادرست خواهد شد و گردرست نشود همه چیزما درستشان نیست و بی اثر میماند و یک دردرسی میشود برای فرهنگیان ما و در این قسمت باید توجه بشتری بشود مانند از مالکی که توکریت میگفتند از کارهای اجتماعی تربیت شده بودند بیشتر بدردمیخورند، امر و زبرنامه ما همچو صورتی هست که هر کس بیرون میاید از مدرسه دنبال این هستند که کارهای عمرانی کمتر میرود و نودونه بکارهای ایمن هستند که بیندهمین درصدشان دنبال این هستند که کارهای آفای و زیری که حالا هست بلندش کنند و چیزی که جایش بنشینند و اگر بازورش نرسد سراغ معادن برود و اورا بلند کند و جایش بنشینند زورش اگر نرسید بمعاون مدیر کل را بلند کند بشینند جایش مگر غیر از این دستگاه حکومت و تشکیلات مملکت ما کارهای دیگری لازم ندارد؟ مع التأسف برنامه طوری هست که در رمز محصلیان اینظبور وارد شده، در صورتی که بعقيده من باید این برنامه اصلاح شود، محصلینی هم که بخارج میفرستیم، در اوایل سلطنت شاه ساقی بک قانونی برای اعزام محصلین بارویا گذشت یک اعتباری برای این کار تخصیص داده شد و در اول کاریک چند نفری

نیست؟ اگر علیتش این است، سیستم حقوقی دوچور است و وزارت بهداری بزم حمله می‌افتد می‌گوید دکتری را که آنجا استخدام می‌کنند ماهی فلان مبلغ میدهند کتری را که من استخدام می‌کنم نیز آن مبلغ نمیتوانم باویدهم (میراث را) لایه اش را الان آورده‌امند آ وقت تازه اول مصیبت بلاست این را باید رفاقت نکنید یک شهرو و دونرخ یک مملکت و پیونج جور، ده جودا شل استفاده ای این صلاح مملکت ما نیست ما اگر نداریم باید همه باهم شب گرسنه بخواهیم، اگر داریم همه زندگی مرتفعی داشته باشیم، این تعیضها را باید بکلی برداشت و این را باید در لایحه، دجه اصلاحات نکنیم حای دیگر مانداریم که در اطراف این جیزها بحث بشود، یکی اینجا راجم بوزارت کار است و وزارت کار فقط یک قلم خیلی روشن هست که چهارمیلیون تومان برای وزارت کار، وزارت کارمن اطلاعات، که دارم کارمندانی که در کارخانه کارم بکنند صدی چند از حقوق آنها کسر می‌شود صدی چند هم از حقوقی که کارفرما باها میدهد اضافه می‌شود و این صدی هبجهد، رویهم مبلغی می‌شود در حدود هبجهد در حد از حقوق آنها که در ۴۰۰۰۰۰ هزار نفر می‌شود شما چند هزار کارگردار بدهد؟ پیچاء هزار تا کارگردار بدهد؟ این منحصر بکارخانجات دولتی نیست، (وزیر کار) یکصد و نود و دو هزار، با خانواده شان هشتصد هزار نفر می‌شود (۱۹۲) هزار نفر، دو بست هزار نفر کارگردار بدهد که شما از حقوق اینها کسر می‌کنید و هست کارمندانی که حقوق شان نزدیک بحقوق وزیر است من موقفی که می‌امدم توی راه آهن بک خانواده ای بکی یمن معرفی کرد و گفت این خانواده ای که در بخشی مختلف حقوقی که می‌گیرند که شما می‌بینید بدروزن و دختر و پسر و اینها باسامی مختلف حقوقی که می‌گیرند رویهم رفته که حساب بکنید با ازمه حقوق وزیر است، کارهم نیکی، یک روز جزء حزب اراده ملی هستند یکروز جزء حزب تووده هستند، یک روز حزب شاهزاد است هستند یک روز جزء حزب بت پرست هستند هر روز بک رنگی در می‌باشد اینها برای بول گرفتن مهبا هستند، شمشان هم بسیار خوب است که می‌فهمند امروز باد از کدام طرف مبوزد این شیرهای علم را نگاه می‌کنند که کدام طرف میر و ند آنها هم عقب را می‌آیند، شما کارگر هائی دارید که حقوق زیاده‌گیرند کارگری که حقوق کم‌گیرند کمتر از روزی پیچ، شش تومان خیال نیکنند کمتر داشته باشید، از این دو بست هزار نفر حساب کنید صدی هبجهد حقوق این هم سلطان مراد بختیار، کارگردانی ندارم که هم دارید (حالمن قلم و گفند ندارم که حساب بکنم مسلمان از پیچاء، شصت میلیون تومان کمتر نمی‌شود، مسلمان کمتر نمی‌شود همین جور دیمی که من فکرش را می‌کنم، حساب

بودمندا کرده شد که اصل ۴ دستگاه شرکت جمع می‌کنندو این تأییینات شرکت را تحویل دولت می‌دهد، این حرف خیابی حسابی و بسته بده است ولی خرج نگاهداری آن دستگاه با خرج نگاهداری مادوتا مت شماریک نفر ماشین. نویس را دروزارت بهداری با وزارت پست و تلگراف چند حقوق میدهید؟ در اصل ۴ چقدر حقوق میدهید؟ آن تشکیلات را هر وقتی که بشما تحویل دادند آن حقوق را یانمیتوانید بدید یا میتوانید، اگر میتوانید مجلش کجاست؟ و اگر نمیتوانید یک دسته ناراضی تحصیل کرده مجهز در مملکت علیه اصلاحات حاضر موجود کرده تحویل گرفته‌اید، این حرف را من دیشب شنیدم که ماراه آهنمن چهارهزار و پانصد تاموقیعی که این دوستان ماجناب انگلستان و دیگران سرzedه مثل دزد شبانه نیامده بودند ما با ۵۰۰۰ نفر دستگاه راه آهن و سیچ را اداره می‌گردیم و آنها آمدند پدرمان رادر آوردند و یک منصب بل پیروزی بما دادند و آنوقت و قرقی دستگاه ۳۶ هزار نفر کارمند برای ما از این داده اند که دولت باید این ۵۰ هزار نفر را حقوق و واجب بدهد ولی موایدش که اضافه نشد، راه آهن ما که با ۴۵۰۰ نفر اداره می‌شد این ۳۰۰۰۰ نفر که تعمیل شد بودجه مملکت، این فقر و دستگیری واعده این جریانی که پیش آمده اینها ازت جنک است که این مملکت را بروز بدینه اند ازه است، این تعجبه‌هایی است که رفای ما داده اند دیگر ندارد.

آقایان مخالفین هم من خیال می‌کنم صحبت نمی‌کنند (همیدی نوری) — اگر جنابعالی اجازه بدهید ناطق مخالف دوم پنده هستم و حرفا را خواهند (شوشتری) داشت برای همان فقره هست آن واقعیت این می‌شود و یکی دوخطش نیمه ساز است که آنهم فقط یکی دوخطش نیمه ساز است که آنهم هنوز تمام نشده موقع جنک فرسوده شده و از پیش رفته، روضه پیشتر در این موضوع بقعیده من جز دردرس برای آقایان فایده دیگر ندارد.

آقایان مخالفین هم من خیال می‌کنم است، کارمند سکشوری (یکجوری) است کارمند شکری یکجوری، اینها مگر مال غیر این آب و خاک است؟ آن کسی که در سازمان برایه کارمیکنند یکجوری، آن دیگری که جای دیگر کار می‌کنند باید پدرش در بیاید.

یکی از آقایان می‌گفت که شما آمدید کار همه وزارتخانه هارا مغلق کرده‌اید، وزارت پست و تلگراف مثله نه مشمول دکتر است نه مشمول ایسپاس است و نه مشمول سازمان برایه، هیچ‌چیز، این بدینه امور بهداشت در این مملکت غیر از این ۴۰۰۰ نیزه شهاد کفایت مذاکرات رأی نمی‌دهد؟ بلی، یکی دیگر موضوع وزارت بهداری است، موضوع بدهد این باید فلم در این بودجه نوشته شده است، یکی تشكیلات وزارت خانه است، یکی هم توسعه بیمارستان نمازی است، یکی هم بنگاه پاستور باز هم داریم، یک خرجه‌هایی برای امور بهداشت در این مملکت غیر از این ۴۰۰۰ نیزه شهاد کفایت مذاکرات رأی نمی‌دهد؟ در این مملکت شده است و توی این بودجه است توشهه شده است، این بودجه می‌شود.

من مطلع شدم یک کمیسیون نهانی تشکیل می‌شود که نمایندگوزارت بهداری هست نمایندگان خارج هم اشخاص هستند و یک تشكیلات بهداشتی را بخرج آنها اداره می‌کنند. آیا این بخرج ثابت است یا موقت است؟ اگر بخرج ثابت است باید در بودجه هم بیاورند، اگر بخرج موقت است خوب روزی که این کوکما موقت نرسد باید فکر آن روز راهم بکنیم، ایران یک مذاکره‌ای اصل ۴ میکرد که پاک تأسیساتی در مملکت کارهای کرده

نقض اینست که ما بانک سازمان مدنامه داریم که آن کمیسونها، آن کمیسیو های مشترک رفتہ اندیک تو اینشی گذرانده و اختیاراتی به یک شخص دادند که یقیناً مایشاء و یچکمایرید است این یک چیز هم ممکن است توی برنامه شان بهینه شد یا کمیانی جاسوسی انگلیسی ها دارند یا جان مولم که این پیشتر در آن موقعیت نفت دست انگلیس هابود این بنگاه برای ادا: جاسوسی نفت خوب در عشار آنجامید و هر وقت میخواستند فساد گذند و سبله فرا میگردند، این کمیانی نمایندگانش آن کار مکررند حالا دایره ای الحمد لله تو سیدا کرده در تمام ایران شر هزار کیلومتر باختیار آن گذاشتند شده که راه بسان خوب البته من نمایندگان کنترالش را شنیدند عهدنامه ترکمن چای است که باروس ها قدم استه شده بود یکی از رفقاء نسیانگی این قرارداد را که با او بسته شده خلبان بدتر موادی دش بوده که آدم ها قاتل یا ای جاسوسی آمده اینجا شهزادگی کیمیانی که برای جاهانی که باید سازمان برنامه خوش کرد و این جور بشود گفته میشد من نمی بین ایشان را این یک چیزی است که خودانه من خبرش را ندارم اما اینکه ایجاد اند در این جهت نفت اینجا نیست این جو کنترالی که برای تعمیر این راه آه موجود ما که عملات بروند و بیج و هرداروغن بزنند که از هم در نروداین کاه نیست این مبالغه ای اینجا نوشته شده است دردی دوا بکند من سال گذشته کمیره بزرگ نیز تابستان در کوهستان الموت میرفتم دیدم جاده ساخته اند حالا چند ریش یک روزنامه ای نوشته آنجاییک باطل عظیزی شده آبهایی که آمد گل و شده آنجا باطلاقی شده اسم وزارت را هم وزارت اقیانوسیه گذاشتی بیرون نامه ای را دیدم که یک سرمهایی را هم وزارت اقیانوسیه که این مملکت در مملکت بین تشکیلات مملکتی است که صورتش ۳۵ بیانیه اند تویش بودجه وزارت صنایع و معادن نوشته شده است بایک مبلغ بینجا و یک میلیون و دویست و چهل و شش هزار ریال این معادن ایران را یک صورت آبادی شده این خواهد داد مثل وزارت بازرگانی ما می شود، مثل وزارت کشاورزی ما می شود فقط یک اسمی خواهد بود بی مسمی اگر واقعه باخواهیم وزارت صنایع و معادنی باشد همان شرکت ملی نفت را امشد را عرض کنید امشد را بگذارید وزارت معدن یکنفر وزیر هم بیانیه ای را که اینجا نوشته شده است در آن خواهد شد که اینجا نوشته شده است که صورتش را آوردند اند بنام بودجه کل مملکتی ۵ بیانیه اند تویش بودجه وزارت صنایع و معادن یک میلیون و دویست و چهل و شش هزار ریال این معادن ایران را یک صورت آبادی شده این خواهد داد مثل وزارت بازرگانی ما می شود، مثل وزارت کشاورزی ما می شود اما از همین روزه بودجه وزارت صنایع و معادن میگیرد آن وقت معادن من نظرم است در چهل سال یک زردشی بود با آن یا ساسان یا اساسانی همچو اسامی داشت این آمده بود در پزد و معادن سطح اراضی را از وزارت فواید عامه وقت اجاره کرده بود بسالی سیصد توان که هزار ریال بدهدو معادن سطح اراضی بزد را که تقریباً ۵ کیلومتر طول خاکش بود اجاره کند و این رفته بود تمام فخاره ایکه میخواستند خالک بردارند آجر بسانند می گفت اینها امتیازش بامن است یک چیزی بمن بدهید سنک مرمر میخواستند برای حوضشان و عمارتشان بسانند می گفت که این اجاره من است باید یک چیزی بودجه نوشته اند یکشاپی ارزش ندارد و را دولت علیه ایران گرفته وزارت فواید عامه وقتی بآن آفای ساسان تمام معادن حوزه ۶۸ میلیون و نهصد و نیجاهو شش هزار ریال این را من صبح هم عرض کرده ام که دیر میگرد مصیبت و بلایی شده بود برای مردم خوشبختانه حکومت مرکزی چندان قوتی کرده بودجه مادرد که اگر آن نقش را مرتفع آورد خودشها نداشت ماهمن گذاشتند این دستور باید خودش بر و دمجری باشد و نقشه اقتصادی

برای اینکه نمایندگان ملت در مخارج
ملکت نظار داشته باشند و از دولت
یولی را که مجرمه اه هم خرج میگذشت پنفع
ملکت از خرج میگذارند برای پایه شدوزی خرج
نمیگذرد این اعتبارات دولت که بود زیاد
نه بود ولی صورتش را سه ماه بسیار
محدود مستوفی من ظرمه است که دویس
الوزراء بود صورتش را توجه میگردند
داد به مجلس همینطور مثل او را جان می
گردند و باید از این ولیس از خرج اعتبار
بود برای اینکه اجازه دارد که خرج
بگذارد و بصر مصاف فی میخواهد برای این
(شوشتاری) رس این چه حود سری بوده
است؟) رس از خ - درگزاری محروم از خود
خارج نمیشد آنرا ز اگر میخواست بپاید
احازه بگرد کابین خرج را بگیرم حون
موقعیت میگذشت رئیس دولت هم که میگرد
اعتماد به چند میلیون تومن نکه تمح
اختیارش بوده جا خرچ کلایه و دمی
گبرد ولی بعد اطلاع میداد که، اینکار را
که دویس دولتچه کاره است؟ یک
ماشراست از طرف شما حیث تازه ای نیست
شما خودتان میگویند ماو کبل این مردم
هستیم که مالیات میدهند و لیه هم که شما
با اعتماد دارید ماشراست از طرف شما
که بروه خرج بگذار و صورت دخل و خرج ش
را شما نشان بده متوجه ماین ماشراست
شما اعتماد میگذید و با اجازه میدهید که
اگر خرچهای فوق العاده ای پیش آمد کرد
لازم نیست که باید از مجلس کس تکلیف
بگذار و با اعتماد میگذید و میگویند در حدود
چند میلیون تومن خرچهای فوری را بپکن
ولی بعد صورت بد که من فهمم درست
است یا نه و چه حور خرج شده است و اگر
صورت تندای من سلب اعتماد از تو میگذرم
این یک روزی مایک مشروطه ای داشتیم
دمکراسی داشتیم، حکومت پارامانی
داشتم و این رویه را داشتیم
و امیدوارم یک روزی بعد ها این را پیدا
بگذم ولی می التأسف حالاً داریم یک
هلغی هست اینجا که در بودجه مجلس هم
نوشته بود اینجا هم دو هرتبه نوشته شده
است نمیدانم چه جوری شده است ما وقتی
یک رأی دادیم بلایه بودجه مجلس اعتبار
طبع فرهنگ دهخدا را رأی دادیم
و توی بودجه مجلس هست اینجا مجدد
اعتبار طبع کتاب فرهنگ دهخدا را من
می بینم که یک میلیون و چهارصد هزار ریال
اینجا دو مرتبه بیش بیش شده است مگر دو
دستگاه دارد این طبع؟ (یکی از نمایندگان
از نظر فرهنگی نه
خواسته باشیم عایداتی
شروع شود و برای فروخته
و کتابخانهها کمک
البته باید بعنوان هدیه
که عاقلانه انجام شد
عرض میگذرم در دوره زین
اداره مبشرت که ح
شده آنوقت ارباب
بود که کارهای م
بود در هر دفعه تجدید
عضوی گز تغییر می
من بودم موقعی که کنم
خودم در اداره مبشرت
آن کتابخانه تأسیس
آقای افسار آقای
ایشان در مبشرت

که فلان کار را بر روم انجام بدهم گفتم
برو برای اینکه کار برای بیفت و ماشین
معطل نماند ولی حالا من نمی توانم یک
اشخاصی بدون اینکه صلاحیت آنها را
برای اینکار تشخیص بدهم سر کاربرفستم
ولی این آدم هم راست میگوید باید یک
فکری برایش بگنیم این را من شاهد من
رفت اروبا و بر گشتن همان شخص کاغذی
برای سپهبد زاهدی نوشته بود و توسط
من برای سپهبد زاهدی فرستاده شد که
شب عییدی من گرفتار و اثنایه ام در بانک
است و چنین است و چنان است سپهبد
زاهدی زیر کاغذ بر پیش نظریه نوشته که
شما دهزار تومان بهش بدهید من
دنباله این دیدم که یک ولخر جی هائی می-
شود خوب راست است که این آدم رحمت
کشیده و انصافاً باید باو کمک بشود ولی از
جب عمومی برای یک کسی کسر میدلایشن
کرو است دهزار تومان بدهید صحیح نبست
آن وقت ایشان این داستان را در دنبال
این اقدام برای من گفت که یک همچو پولی
بود در اختیار من و من هم می توانستم این
را بحساب خودم اتفاق بدهم و بروم اروبا
ولی من برای مملکت فدا کاری کرد آمد
و این بول را بحساب امکن گذاشت و یک
خر جهای لازم هم است اشخاصی که صدمه
دیده اند و باید بانک امکن بشود از این
محل کم کرد من خیال می کرد کمیک
همچو پولی و این خرجها است که این کاخ
ار آن بول خریداری شده است حالت معلوم
می شود که این بول و وام غیر از آن حرفها
است و اینهم کمک برای نخست وزیری ندارد
عبارت اینست که اعتبار فرع وام دریافتی
از بانک کشاورزی برای خرید کاخ و الا
حضرت شاهدخت اشرف پهلوی یعنی کاخ
برای والاحضرت خریده شده بیا کاخ را از
والاحضرت خریده اند اکر اصلاح بشود
ازولا حضرت برای کاخ نخست وزیری
اشکالش رفع می شود [شوتی] از اتفاده
است) (وزیر دارایی - عبارت صریح است
آقا) این موضوعاتی بود که من بعرض
آقایان رساندم حالا یک چیز های کلی
می ماندم من امروز صحیح که آدم مجلس دیدم
جلسه هنوز تشکیل نیست نشستم حساب
کردم مخارج دو ساله ۳۲ و سی هزار مان
با خرچ دو ساله ۳۲ و سی و چهار مان ۵۰
اولی امش را عایدات و در آمد میگذاریم
و آن را هم هزینه امش را میگذاریم
مال دو ساله هزینه مان شده ۲۸ میلیارد و
۲۱ میلیون و ۷۶ هزار ریال این مال دو سال
۴۳ و ۳۴ گذشته است سال ۳۵ هنوز
واردش نشده ایم عوایدی که آنجا پیش
یعنی شده اگر راست باشد این عواید چون
من اطمینانی باشند هنوز ندارم علی
آمده یک دروغی گفته برای خوش آمدگیری
نمیدانم آنچه ۲۲ میلیارد و ۹۱ میلیون
و ۴۸ هزار ریال مال این دو سال گذشته

دارایی توضیع بدهند اعتبار فرع وام
دریافتی از بانک کشاورزی برای خرید کاخ
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی مگر
کاخی والا حضرت نداشته ؟ (یکی از
نماینده کان- خریده اند دولت خریده ؟) (وزیر
کشور - برای نخست وزیری خریده اند
همین چاپ است که برای نخست وزیری
خریده اند) (وزیر دارایی - از بانک کشاورزی -
فرض کرده اند حالا باید فرعش را بدهند)
چرا خریده اند ؟ والاحضرت اشرف خودش
در مفترش بود عبس چه بوده ؟ چه عیب
داشت ؟ چرا خریده اند ؟ (سلطان مراد
بختیبار - سپهبد زاهدی
خریده است) خوب زاهدی هم کار بدی
کرده مگر هر کاری سپهبد زاهدی کرده
خوب کاری کرده است ؟ (سلطان مراد بختیار
خواست اطلاع داشته باشد) این اعتبار
فرع وام دریافتی از بانک کشاورزی
برای خرید کاخ والاحضرت
شاهدخت اشرف پهلوی ، این بنایی که
برای نخست وزیری خریده اند این عبارت
را من نفهمیدم بندۀ خیال نمیکنم که برای
نخست وزیری بخرند) (یکی از نماینده کان -
حالا بیشتر ارزش دارد) نمی دانستم مال
والاحضرت اشرف پهلوی یعنی کاخ والاحضرت
شاهدخت اشرف پهلوی عرض کرد
خریده اند خوب زاهدی هم کار بدی
کرده مگر هر کاری سپهبد زاهدی کرده
خوب کاری کرده است ؟ (سلطان مراد بختیار
خواست اطلاع داشته باشد) این اعتبار
فرع وام دریافتی از بانک کشاورزی
حرفها این صندوق تقاعده اولان امرهای
روز بروز اضافه میشد . علتی این بود که
قانون که وضع شده بود مستخدمینی که
امروز وارد کارشده بودند حقوق آن را
دهن مستخدمین پیش که حقوقی آنها نداده
بودند مشمول مقررات بودند نه حقوقی نداده
بودند که بیانند از صندوق بول بگیرند . هی
این بول جم شد یواش یواش قوانین فرق
کرد مثلاً پیشتر یک شصتم حقوق ضرب در
سنوات خدمت بوده خیال میکنم حالا کم کم
شده یک سی ام حقوق ضرب در سنوات خدمت
یادم نیست یک چهل میلیون یک سی ام تا کس
آمد یا نیم آمد و سیاست هاهم که عوض
شد در این سیاستها یک عدد اشخاصی که با
آن دستگاه نمیتوانستند باهم کار کنند
جوان هم بورند متقادع شدند حقوق بگیر
صندوق تقاعده زیارت شده است . البته دولت
شد بمه گرواین کارمندانه بمه شدند باید
کسر صندوق تقاعده را هست دلات بددهد
و این یک مبلغ جزئی پانصد هزار تومان
برای منتظرین حقوق تقاعده بقید . من اگر بیش
بینی کردند که امسال بیش از پانصد هزار تومان
کسر ندارد این حرف حسای است که این
این حرفها بگوش من خورده که صندوق
تقاعده دارد تمام میشود صندوق تقاعده چرا
نام بشود ؟ دلیل ندارد صندوق تقاعده دولت
است یولی که مردم دارند میدهند یعنی
کارمندانه از میدهند بگسی میدهند که
ضامن است این تعهدات را انجام بدهند مثل
کار گری که مبلغی از حقوق کسر میگنند
یک تعهداتی میگنند در مقابل این بمه های
اجتماعی میگوییم این را ، این فلم خرج را
نوشته اند خلبی خرجهای دیگر و عابدات
دیگر هم هست که از خزانه عمومی
اینجا بیش بینی شده من نظرم هست
مال گمرک بود ، با چیزهایی بود که آنها
بیک چیزهایی اضافه گردد بودند برای
خدمات شاهنشاهی ، این بلطفهایم هست
من میگوییم این را ، این فلم خرج را
نوشته اند بقیه اش راهم بیرون اینجا
دخل و خرج اینجا منظور بشود
جمع او خرجا بحساب مملکت بیاید
مادو مملکت نیستیم که یک مملکت سازمان
خدمات اجتماعی شاهنشاهی درست کرده
و یک مملکت هم هست که اعانه بآن بدهیم
چنین چیزی نیست یک مملکت است یک
مردم است ، یک مالیات است ، همه اش کمک
یک دستگاه است همه هم باید کمک بگنیم
باین دستگاه یک قلمی اینجا هست اعتبار
کمک حقوق بازنیستگان و منتظرین
خدمت پانصد هزار تومان : این فلم رامن
میخواستم یک قدری روشن بشود ، یک
شرکتی ای بمه ای در دنیا هاست که شما می
روید آنچا بمه میشود ینج سال ده سال
بیست سال سی سال ماهی ینج تومان ،
ده تومان ، بیست تومان میدهند این میشود

گه فلان کار را بروم انجام بدhem گفتم
برو برای اینکه کار برآمده بیفت و ماشین
معطل نماند ولی حالا من نمی نوام یک
اشخاصی بدون اینکه صلاحیت آنها را
برای اینکار تشخیص بدhem سر کار بفرستم
ولی این آدم هم راست میگوید باید یک
فکری برایش بکنیم این را من شاهدمن
رفتم ازدواجا و برگشتم همان شخص کاغذی
برای سپهبد زاهدی نوشته بود و توسط
من برای سپهبد زاهدی فرستاده شد که
شب عیدی من گرفتارم و اثابهایم در بانک
است و چنین است و چنان است سپهبد
 Zahedi زیر کاغذ برپس نظرمی نوشت که
شما دههزار تومن بهش بدھید من
دنبله این دیدم که یک ولخرجی هائی می-
شود خوب دامت است که این آدم رحمت
کشیده و انصافاً باید با او کمک بشود ولی از
جب عمومی برای یک کسی کسر پیدا لاش
کرو است دههزار تومن بدھید صحیح نیست
آن وقت ایشان این داستان را در دنبال
این اقدام برای من گفت که یک همچو بولی
بود در اختیار من و من هم می توانستم این
را بحساب خودم اتفاق بدهم و بروم ازدواجا
ولی من برای مملکت فدا کاری کرد آمد
و این بول را بحساب امک کذاشتم و یک
خرجهای لازم هم هست اشخاصی که صدمه
دیده اند و باید بآن کمک بشود از این
محل امک کرد من خیال می کردم که یک
همچو بولی و این خرجهای است که این کاخ
ار آن بول خریداری شده است حلام معلوم
می شود که این بول و وام غیر از آن حرفاها
است و اینهم کلمه برای نخست وزیری ندارد
عبارت اینست که اختبار فرع وام دریافتی
از بانک کشاورزی برای خرید کاخ والا
حضرت شاهدخت اشرف پهلوی یعنی کاخ
برای والاحضرت خریده شده یا کاخ را از
والاحضرت خریده اند اگر اصلاح بشود
از ورا حضرت برای کاخ نخست وزیری
اشکالش رفع می شود رشتمانی از اتفاده
است) وزیر دارایی عبارت صریح است
آقا) این موضوعاتی بود که من بعرض
آفایان رساندم حالا یک چیز های کلی
می ماندم من امروز صبح که آدم مجلس دیدم
جلسه هنوز تشکیل نیست نشتم حساب
کردم مخارج دوساله ۳۲ و سی و چهارم ان له
با خرج دوساله ۳۲ و سی و چهارم ان له
اولی امش را عایدات و در آمد میگذرد ایم
و آن را هم هزینه امش را میگذرد ایم
مال دوساله هزینه همان شده ۲۸ میلیارد و
۲۱ میلیون ۷۶ هزار ریال این مال دوسال
۳۴ و ۳۵ گذشته است سال ۳۵ هنوز
واردش شده ایم عوایدی که آنها بیش -
بینی شده اگر راست باشد این عواید چون
من اطمینانی با آن بیشنهاده ندارم علی‌نی
آمدیم یک دروغی گفته برای خوش آمدگیری
نمیدانم آنچا ۲۲ میلیارد و ۹۴ میلیون
و ۵۴ هزار ریال مال این دوسال گذشته

دارایی توضیع بدھند اعتبار فرع وام
دریافتی از بانک کشاورزی برای خرید کاخ
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی مگر
کاخی والا حضرت نداشته ؟ (یکی از
نمازندگان خریده اند) دولت خریده اند ؟ (وزیر
کشور - برای نخست وزیری خریده اند
همین جائی است که برای نخست وزیری
خریده اند) (وزیر دارایی از بانک کشاورزی
فرض کردند حالا باید فرعش را بدھند)
چرا خریده ؟ والاحضرت اشرف خودش
درمنزلش بود عیش چه بوده ؟ چه عیب
داشت ؟ چرا خریدند ؟ (سلطان مراد
بختیار - سپهبد Zahedi
خریده است) خوب Zahedi هم کار بدی
کرده مگر هر کاری سپهبد Zahedi کرده
خوب کاری کرده است ؟ (سلطان مراد بختیار
خواستم اطلاع داشته باشد) این اعتبار
فرع وام دریافتی از بانک کشاورزی
برای خرید کاخ والاحضرت
شاهدخت اشرف پهلوی ، این بنائی که
برای نخست وزیری خریده اند این عبارت
را من نفهمیدم بنده خیال نمیکنم که برای
نخست وزیری بخرند (یکی از نمازندگان -
حالا بیشتر ارزش دارد) نمی دانستم مال
والاحضرت اشرف پهلوی میل نداشته که این حرف
یا کم موضوعی است من بشه تربیون یکروز
دیگر هم این حرف را زدم کویا آقای
وزیر اسبق مالیه میل نداشته که این حرف
کفته بشود یکروزی سپهبد Zahedi بمن
گفت موضعی که ۲۸ مرداد آن حوار اتفاق
افتاد و ما آمدیم تویی عمارت نظمیه و بعد کلوب
افسران و در خزانه هم یک شاهی بول
نبود و دستگاه ما بکلی فلنج بود نمازندگان
از طرف یکی از دول بزرگ له اعوانه های
زیادی با پرداز داده آمد آنجا و یک چک پنج
میلیون دلاری آورد برای من که این را
تقریباً یک هدیه ای است یک چیزی است که
برای شما جناب رئیس جمهور مرحمت کرده
کفت من دیدم خزانه ما بول ندارد و خرج
هم هست این بول هم رسیده من یک نفر
را فرستادم دنبال خزانه دار گفتم این بول
را شما بکنید و خرج را راه بینداز تابع
بینیم چه می شود و از این محل یک خرج
هائی که ما در بودجه نمی توانستیم بیش -
بینی بکنید و فوری و فوتی بیش آمدیم -
کرد از آن محل پرداخت می گردیم که
یکی دو فرقه اش خودمن حاضر و ناظر بودم
این را شهادت میدهم که شخصی بود خیلی
صادمه دیده بود و در مجتبس بود روزی که
این واقعه بیش آمد کرد و آزاد شد این
وقوع یک کمکهای جملی داشت از سپهبد
Zahedi و می گفت کسانی که از حیث مقام
و علم و وضعیت ازمن کوچکتر بودند یک
مقام های عالی باهای داده شده جرا بمن
یک کار بهتر داده نمی شود سپهبد Zahedi
گفت من روزی که آمدم تمام ماذبه های
بهم ریخته بود هر کسی است که
می دارم دیگر اینجا آمد گفت

ادارات و بنگاههای دولتی در حدود رقم اعتبار مر بوطه مظاوم در صورت شماره ۲۰۰ پس از رسیدگی و تصویب کمیسیون بودجه قابل اجرا خواهد بود. مادرم که بودجه های تفصیلی سال مزبور به تصویب کمیسیون بودجه ترسیده براساس اعتبارات مصوب ۱۳۴ بشرط اینکه از حدود اعتباری که برای هر وزارتخانه یا اداره یا بنگاه مستقل دولتی ضمن بودجه پیشنهادی سال ۱۳۵ منظور شده تجاوز ننماید قابل پرداخت خواهد بود

منظور این است، مثلاً دقت بفرمانی بدینه مثال میز نم بودجه سال ۴ وزارت کار ۳۵ صد هزار تومان است و بودجه سال ۵ وزارت کار ۱۰ هزار تومان است مقصود این است که تا بودجه جزء این وزارتخانه را نمداده اند درحدود همان صدهزار تومان ۴ میتواند پرداخت کند یعنی درحدود صدهزار تومان حالا عکسش را میگیریم فرض بفرمانی بدینه که وزارت کشاورزی بودجه اش در سال ۴ بوده ۱۰ هزار تومان در سال ۵ شده صد هزار تومان اینهم بیش از صد هزار تومان، اینکه نوشته اند در سال ۵ اینقدر منظور شده تجاوز ننماید یعنی نمیتواند بیش از صد هزار تومان بدهد باعرض این مثال مقصود این بود که این مطلب روشن شود بنا بر این در دولت و این تصریه بدلی باهم فرق دارد و دقت تویش هست، این راهنم بنده تصویر میکنم که در آینده دچار اشکال نشوند فقط مسئول اتومبیل های شخصی سواری است و البته انت و کامیون و اینها مستثنی است ولی چیز تویش هست - آقای مجربر اجازه بفرمانی بدینه جلسه را بایده تعطیل کنیم برای اینکه تندنویس ها بیش از ینچگاه اینجا کار کرده اند و نمیتوانند بیش از این کار کنند مسعودی - بیش از دو سه دقیقه حرف ندارم

۳- تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه نایب رئیس - اجازه بدهید بعد از اینکه نطق شما تمام شد آقایان وزراء هم صحبت هارند، بنابر این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح از آقایان اعم از احصار و یا غایبین تقاضامی کنم سراسعت ۹ تشریف بیاورند که انشاع الله فردابودجه راتمام کنیم (مجلس سامت ۸ بعد از ظهر ختم شد) نایب رئیس مجلس شورای ملی - اردلان

سایر چیزهای ارتباطی ۶۰۰ میلیون تومان بوده است ولی ۴۲ میلیون تومان و در این قسمت که ملاحظه فرمودید و خودتان قانون برنامه رام مطالعه کرده اید بوزارت جنگ از طرف سازمان برنامه در بودجه سازمان برنامه کمکی نشده با مقایسه این بودجهها که بعزمان رساندم تصدیق میفرمایید که واقعاً بودجه وزارت جنگ فوق العاده کم است، شما یک کشوری دارید که از نظر وسعت یک میلیون و شصتمد و بیست هزار کیلو متر مربع است، شما ملاحظه بفرمائید که با چند کشور همچو اسپانیا میزبانی داشتید مرا زیباشان را در نظر بگیرید و واقعاً بیش خودتان فکر کنید که آیا یک کشوری باش و سمعت که فقط در شماش شما ۱۸۰۰ کیلومتر مراز دارید که اگر دریای خزر هم علاوه شود دو هزار و خورده ای کیلو متر مرز با شوری دارید، افغانستان را ملاحظه بفرمائید از جنوب هم مرز هستید همینطور با با پاکستان هم مرز هستید همینطور با عراق و ترکیه و جاهای دیگر یک کشور با این وسعت واقعاً ششمده میلیون تومان برای وزارت جنگ زیاد است، آنهم حساب بفرمائید در مقابل بودجه کل مملکتی که برای وزارت بهداری در طی ۷ سال هفتاد میلیون تومان بیش یعنی برای هرسال صد میلیون تومان، برای وزارت فرهنگ از کمک های فوری سازمان این بودجه کل مملکتی برای این وزارتخانه ها مبالغ عمده ای بیش یعنی کردن که برای وزارت بهداری ۹ ماهه اش که مقصود شد را به کمیسیون بودجه داده اند و با توجه به آن ۹ میلیون ریال بیش یعنی وصول کردن ۲۵۰ میلیون ریال بیش یعنی وصول کردن ۲۵۰ میلیون تومان بنابر این جناب آقای حائزی زاده در سال ۴ عایدی ما از دخانیات یعنی شده باشد اما راجع بوزارتخانه های بهداری، کشاورزی، فرهنگ و راه باستی بعرض آقای حائزی زاده بر سازمان که در بودجه سازمان برآمد اند و توضیحاتی که دارند میدهنند و توضیحاتی که در کمیسیون دادند ما امیدواری داریم که عابدات دخانیات و عایدات کمرک بیش از مبلغ بیش یعنی شده باشد اما راجع بوزارتخانه های بهداری، کشاورزی، فرهنگ و راه باستی بعرض آقای حائزی زاده بر سازمان که در بودجه سازمان برآمد اند و توضیحاتی که دارند میدهنند و توضیحاتی که در بودجه کل مملکتی برای این وزارتخانه ها مبالغ عمده ای بیش یعنی کردن که برای وزارت بهداری ۹ ماهه اش که مقصود شد را به کمیسیون بودجه داده اند و با توجه به آن ۹ میلیون ریال بیش یعنی سی میلیون علاوه کرده اند و اینکه فرمودید من نمی داشتم چطور شده که عایدات دخانیات اینهمه اضافه شده آیا سیگار کش علاوه شده ؟ نه، الان اگر آمار بگیریم ممکن است این را از اداره دخانیات لطفاً بخواهید آمار بشما خواهند داد می بینید که میزان فروش سیگار اشتو الان ۲۲ میلیون است و روز بروز هم رو بازدید است و این بیش یعنی سی میلیون روی همان ازدیاد فروش دخانیات است اند ا نوع سیگار بیش یعنی شده برازیل میلیون روی ندارم که مطابق این ارقامی که بما روی وصولی های سال گذشته در کمیسیون بودجه نشان دادند این بیش یعنی هائیکه شده واقعاً شاید حداقل بیش یعنی است که شده که ماظهار امیدواری کردم در کزارشان که حتماً وصول بشود بعضی قسمتها را هم جناب آقای فروزو آقای انواری که در کمیسیون تشریف داشتند اظهار امیدواری میکردند که حتماً زیاد خواهد سال بوزارت بهداری علاوه بر بودجه ای که در راه وی زیرا اینکه بودجه مان از نظر در اینجا ملاحظه میفرمایید که در بودجه عمومی هم با آن اضافه شده است مبلغ صد میلیون تومان در سال ۲۵ از طرف سازمان بر نامه بودجه اش علاوه شده است صد میلیون تومان بوزارت کشاورزی اضافه شده (یکنفر از نمایندگان - که چه کار بکنند؟) بودجه داده بود که همه روشن بشوند بهر حال اینجا نوشته اند تبصره ۱ بودجه تفصیلی سال ۱۳۴ وزارت خانه ها و مسعودی - نوجی فرمودید که در سال بوزارت بهداری علاوه بر بودجه ای که در سال بوزارت کشاورزی اضافه شده است که در اینجا ملاحظه میفرمایید که در بودجه عمومی هم با آن اضافه شده است مبلغ صد میلیون تومان و میلیون تومان نهاده آمدیم خلاصه اینکه بوزارت کشاورزی اضافه شده عرض را بکنم (شوشتری - الان یادتان رفته که توضیح بدهید برای وزارت جنگ چیزی در نظر نگرفته اند) بنده گفتم که باینها کمک شده نایب رئیس - شما بیاندان را پرمایند.

سال ۱۳۴۳ را ملاحظه بفرمایید) نسبت به ۳۴ فقط ۱۲۷ میلیون علاوه (حائزی زاده) من نسبت به ۳۳ عرض کر بلی نسبت به ۳۳ البته آنهم به نظر ذیاده هم نیست دلیاش هم این است که بودجه هر کشوری را که ملاحظه بفرمایید که متجاوز از صدی صفت باشد آن کشور خرج تأسیسات دفاعی که بشود هر کشور مستقلی امروز در این اهمیت میدهد (صحیح است) مورد خیلی روشن است تمام آقایان توجه دارند اشتقاء در هر بلوکی که باشند بلوک شرق و چه بلوک غرب بودجه های را که به بینیم و مطالعه بگذرم می شست بودجه دفاعی خودش را در درجه اول اهمیت میدهد (صحیح است) مورد خیلی روشن است تمام کشور های بلوکی است باید تقویت بشود و از هرجهت کمک بشود بودجه سال ۱۳۵ برای وزارت جنگ بطوریکه آقا ملاحظه فرمودند ۱۲۷ میلیون نسبت بودجه سال ۱۳۴ که در آن ۴۰ میلیون تومن بوده است اضافه شده همایه ما همینطور، بنابراین بنظر نیرویی که حافظ استقلال و شرف مملکت است باید تقویت بشود و از هرجهت قابل مقایسه نیست باید که سایر کشورها برای قوای تأمینیه شان بکار مپردازی اتفاقاً در بودجه امسال اکثر جناب حائزی زاده توجه عمیق میفرمودند باید که نسبت به وزارت فرهنگ و دانشگاه مؤسسات فرهنگی ۸۰ میلیون تومن شده است یعنی ۸۰۰ میلیون ریال است و باید زیادتر باشد ولی واقعاً این عمل فوق العاده قابل تقدیر است و باید این را برای اینکه یک توجه خاصی بفرهنگ در اینجا مبنول داشته تحسین کرد بدین تردید وزارت فرهنگ سازنده نسل های آینده است و تا افراد واقعاً تربیت نشوند علم و دانش نیاموزنده نمیتواند در تمام شورتی پیشرفت کرد در قسمت های دیگر بش اینجا صورتش را دارم، جناب آقای حائزی زاده فرمودند که این بودجه خیالی سال ۱۳۴ هشتمصد میلیون مالیات برآمد پیش بین کرد هاست و در بودجه فعلی سی میلیون و بنظر بنه خوب یک وزیری آمده دیده که بودجه سابق داده شده به مجلس و بودجه صحبه شد را چون پیش بینی کرد و آورد باید مورد تقدیر قرار بگیرد، اینکه بگویند اینهم خیالی است، اینطور نیست برای اینکه اینکه صورت وصولی سال ۱۳۴ را در اداره کمیسیون است و کسر بودجه این دو سالما را از جهه محل داده این من میخواستم اینرا خیلی خسته شده اند، (صحیح است) من هم نداده برای اینکه واقعاً این هرج و مر ج و لجام گسیختگی بطوری در مملکت تعیین ییداگزیرده که نازه مامبینیم که بیش از یکسال نیست که یوش باش دارد اینها تمیم میشود تمام آقایان توجه دارند که هر کشوری که خواسته بودجه متعادل داشته باشد اول امنیت را در کشور برقار کرده برای اینکه مردم بتوانند کار بگذارند و فقط برای تولید کار است که میخود وضع اقتصاد مملکت را روبراه کرد و بودجه های متعادل آورده به مجلس (صحیح است) در غیر این صورت اگر مأخذی نکرده، چون همه آقایان شاهد و ناظر بودند خود جناب آقای حائزی زاده هم خوشبختانه در جریان بودند و مبارزه کردن میدانند اگر آن هرج و مر ج و آن آشوب دوام پیدا میکرد اصلاً از مملکت چیزی باقی نمیماند بنابراین بنده میخواهم عرض بگنم که واقعاً آقای فروهر دولت فعلی بهیچ وجه تقصیری ندارند در اینکه بودجه ای که به مجلس شورای ملی دادند تعادل ندارد ولی مطلبی که تذکران حتماً لازم است موضوعی بود که جناب آقای حائزی زاده هم خیلی تکیه باان فرموده و گفتند بلی آن آقای وزیر فلان یک بودجه تخلیی نوشتند و آوردن دو آقای فروهر هم در ظرف ۱۵ روز که آمدنند بالتفنون دستوراتی دادند و این بودجه گرچه مثل آن تخلیی و واهی نیست ولی نزدیک بهمان است بنده برای اینکه واقعاً میخواهم این را بگذارم و مطالبه دیگر سه جلسه ای که در سه جلسه مجلس روی چهار موضوع دور میزد، یکی تاریخ تنظیم بودجه های مملکتی در اداره گذشته مر بوط ببودجه سال ۱۳۵ و یک مطالبه سازهای ۱۳۴ و ۱۳۳ بود، یک مطالبه دیگر که ایشان بیان کردند راجع به بودجه های مؤسسات و بنگاههایی بود که اینجا در بودجه مملکتی راجع بدخل و خرج آن ها ذکری نشده است، قسمت چهارم که فوی العاده مفصل بود مذاکرات و انتقاداتی بود که از وضع کار ادارات و وزارت تواند و مؤسسات فرمودند اما آنچه که به بنده مر بوط است و یعنوان مخبر کمیسیون بودجه باید توضیح عرض کنم مطالبه مر بوط به بودجه سال ۱۳۵ است آنچه که راجع به بودجه های کذشته فرمودند البتہ یک اطلاعاتی بود که برای بنده هم ذیقیمت بود و در محضر ایشان کسب فیض کردم که اینجا تبره این بودجه بعضی هایش عرض شد، چند تایش حذف شد و چند تاهم اصلاح شد و این فقط در توجه دقت و مطالعه دقیق اعضای کمیسیون بودجه بود که آنها هم افتخارشان این است که چنانچه بیش از ۱۵ تبره ایشان کسب فیض کردم که بودجه های کذشته فرمودند آقایان گزارش کمیسیون بودجه را قرائت فرمودند اند در این کارها دخالت داشتند اما اینجا راجع به بودجه چه مبلغ بوده بولی که بستگاه خزانه دولت رسانیده چه مبلغ بوده و باقیش کجا است، چون من یک رقم های درشتی را دیدم که بول دادند، من صورت حسابی ندارم، یک وقته گفته شد که ما سیصد میلیون دلار دادیم حالا راست است یا دروغ من نمیدانم، این را ما باید بهمیم که در ظرف سالهای ۱۳۳ و ۱۳۴ چقدر بعنوان استقراری یا بعنوان کمک بلاعوض بول داده شده ووارد خزانه مملکت شده چقدر شد کسر این بودجه خورده و باقیش کجا است، باقی دارد یا ندارد، اگر دارد کجا است و این را بموجوی سال بعد باید انتقال دهیم این باید یکقدری